

پرسش و پاسخ ندای آزادی از فعالان سیاسی درباره‌ی فدرالیسم در ایران فریبا مرزبان

ندای آزادی: آیا دولت غیر متمرکز همان دولت فدراتیو است؟ اگر نه تفاوت آن‌ها چیست؟

فریبا مرزبان: دولت غیر متمرکز الزام فدرال نیست و بر اساس قوانین رایج در حکومت‌هایی از نوع فدرال اداره نمی‌شود. در تعریف دولت غیر متمرکز به ساده‌ترین شکل می‌توان گفت: "تقسیم قدرت در دست مردم" با افزودن بر مشارکت شهروندان در قوه مقننه و مجریه. در این نوع دولت، کارها متمرکز در یک شهر و یک استان نیستند؛ بخش‌بندی شده در نقاط مختلف کشور اند با توجه به موقعیت شهرها بلحاظ سیاسی، جمعیت، شرایط اقلیمی، جغرافیایی و

در دولت غیر متمرکز جغرافیای محیط کمتر لحاظ می‌شود و جغرافیای کلی (مرزهای کشور) اهمیت دارد. و نیز تقسیم مسوولیت‌های اداره امور و بهینه‌کردن قابلیت‌ها متمرکز شخص یا ایالتی نمی‌شود. مگر این که از نقطه نظر جغرافیایی منطقه‌ای نامناسب برای انجام فعالیت‌های تولیدی خاصی باشد .

ندای آزادی: در کشوری مانند ایران با توجه به تنوع زبانی، ملی و قومی آیا نظام فدرالیسم نظام مناسبی است. اگر آری چه نوع فدرالیسمی برای کشور ما مناسب است: فدرالیسم بر اساس تقسیمات جغرافیایی (استانی) و یا بر اساس زبانی-ملی/قومی؟

مرزبان: در پاسخ به بخش نخست پرسش در دید من نظام فدرالی مناسب ایران نیست و اقدام کردن بدان بسیار دشوار است.

برای انجام این کار نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان مالی و نیروی پیش‌برنده (عوامل اجرایی) از سوی دولت است.

فدرالیسم زبانی- قومی دو گانه است و مشکلات جدیدی ایجاد خواهد

کرد. مشکلات دیگری هم در زمینه جغرافیای سیاسی می افزاید. بخش کسانی هستند که خواهان استقلال تا سر حد جدایی اند. بنابراین بهترست بر پدیده فدرالیسم، محتاطانه نگریست؛ زیرا ممکن است ایالت های فدرالیزه شده از مجرای داخلی خارج بشوند.

تنوع زبانی و نژادی (قومی) ایرانیان انکار ناپذیر است و مردم هر جامعه از حقوق اجتماعی به گونه ای بایستی برخوردار گردند که بتوانند در یک جامعه زبانی با "پشتیبانی دستگاه های دولتی برای جلوگیری از اضمحلال زبان ها تلاش کنند"؛ زیرا زبان ابزار ارتباط است، زبان فرهنگ است. زبان ابزار ارتباط است اما جامعه ای بدون زبان «لال» است.

ندای آزادی: ساختار و محتوای نظام فدرالیسم براساس تقسیمات جغرافیایی چه تفاوتی با فدرالیسم بر اساس ملی/قومی دارد؟ بعنوان مثال شرط برخورداری از حقوق شهروندی (مانند حق انتخاب کردن و انتخاب شدن) در هر کدام از ایالات، ساکن بودن هر شهروند ایرانی در آن شهر و منطقه است، یا داشتن تعلقات قومی و ملی آن منطقه؟

مرزبان: آن گونه که در پاسخ پیشین اشاره رفت نظام فدرالی را مناسب ایران نمی بینم و نیازمند گفتگوی بیشتر است.

در نظام فدرالیسم جغرافیایی محدوده و مرز ایالت ها مشخص شده است. در حالی که در نظام فدرالیسم ملی- نژادی (قوم) مردم "هم نژاد" گسترده و پراکنده از یکدیگر زندگی کنند؛ مانند لرها که از ساکنان اطراف شهرهای اصفهان و شیراز، ساکنان لرستان و بخش وسیعی از ساکنان خوزستان هستند را شامل میشود. برخورداری از حق برگزیدن یا برگزیده شدن از دیدگاه تعلقات قومی و ملی همان است که تجزیه طلب ها و سنتی های عقب مانده خواهان هستند و خواست خود را می گویند. ساکن بودن شهروندان امتیاز لازمست بر پایه توانایی ها، استعدادها و اندیشه های نو.

متداول ترین شکل فدرالیسم، فدرالیسم جغرافیایی است مانند روسیه، آلمان و آمریکا هر سه در امور کشوری خود موفق بوده اند. زیرا سال هاست که کشورهای شان با این سیستم اداره می شود و دولت مدارها با اتخاذ تدابیر به هنگام و درست جامعه را سازگار با سیستم کرده اند.

اکنون اگر خواهان نظامی هم مانند یکی از 3 کشور فوق و اجرای سیستم اداری هم چون فدرالیسم آنها بشویم. باید بگویم فدرالیسم

دیگر کهنه شده است. ایران کشوری جهان سومی است و مشکلات فراوان دارد؛ و نیز نیازمند رنسانس فرهنگیست. کشورهای اروپایی حدود 1000 سال پیش رنسانس از سر گذرانده اند در حالی که در جامعه ایران در قرن بیستم و بیست و یکم انقلاب اسلامی رخ داده است و انقلاب مناسبات اجتماعی و اغلب خانوادگی را از بین برده است. شهروندان ایران سالیان سال است که با پدیده ای به نام مذهب درگیر هستند.

ندای آزادی: آیا این چند حوضه ای که نام می‌بریم باید در اختیارات دولت مرکزی فدرال باشند؟ نیروی نظامی و دفاع از مرزها؛ روابط خارجی (وزارت امور خارجه)؛ برنامه ریزی های کلان و بلند مدت اقتصادی؛ سیاست‌های مالی، پولی و مالیاتی؛ استخراج معادن و منابع زیر زمینی؛ نظارت بر انتخابات و حسن اجرای قوانین در هر ایالت؛ دادگاه‌ها و کل سیستم قضایی.

مرزبان: همه از مسوولیت های دولت مرکزی هستند و سیستم مرکزی پاسخ گوی برچیدن هر گونه تبعیض و نیز برای جبران عقب ماندگی حقوق اجتماعی- علمی- اقتصادی است. بله. بله دستگاهای مهم دیگری نیز باید بر عهده دولت مرکزی قرار گیرد. کشور بر اساس قانون اساسی (قوانین مادر و تبصرها) اداره می شود. سیستم آموزشی، پلیس، بهداشت و درمان، مسکن، حل مشکل بیکاری (ایجاد شغل) همه این ها نیازمند برنامه ای منسجم و به گونه ای سراسری است که در بر گیرنده منافع و بر طرف کننده خواست جمعیت کشور باشد. چنانچه موارد ذکر شده با ایده ها و رای ساکنان محلی طراحی و اجرا شوند به دلیل نبودن زیرساخت و کار نشدن بر روی زیرساخت های لازم اقدام موفق نخواهد بود. تجربه می گوید در صورت بروز عدم کارایی طرح های به اجرا درآمده بدون نظارت قدرت مرکزی نمی تواند دوام یابد.